



نام و نام خانوادگی:

زمان برگزاری: ۹۰ دقیقه



نام آزمون: فلسفه ۱۲ درس ۶ تشریحی

تاریخ آزمون:



- ۱ استدلال فارابی در اثبات وجود خدا را بیان کنید.
- ۲ فیلسوف کسی نیست که .....؛ بلکه کسی است که براساس ..... عقیده‌ای را می‌پذیرد.
- ۳ برهان وجوب و امکان سینوی را شرح دهید. (۲ مقدمه و ۱ نتیجه)
- ۴ اگر سلسله علل نامتناهی باشد، چه مشکلی پیش می‌آید؟
- ۵ چه زمانی بحث یک فیلسوف مسلمان یا مسیحی درباره خدا می‌تواند بحث فلسفی باشد؟
- ۶ در کتاب شعر زرتشت‌نامه آمده است که بهمن از جانب ..... به ..... نازل می‌شد.
- ۷ موجودات ممکن متکی به ..... هستند.
- ۸ نظریه حکیمان دوره باستان ایران در مورد خداوند چیست؟
- ۹ از نظر ابن‌سینا سبب بقای ممکنات و مخلوقات چیست؟
- ۱۰ صدرالمتألهین بر اساس نظریه «امکان فقری» چه استدلالی ارائه کرده؟ آن را شرح دهید.
- ۱۱ در فلسفه ملاصدرا با توجه به اینکه هستی، یک حقیقت واحد است، تعدد و تکثر در عالم چگونه تبیین می‌شود؟ (بدون ذکر تشبیه)
- ۱۲ نظریه «امکان فقری» صدر المتألهین را توضیح دهید.
- ۱۳ تعریف عشق را از نظر ابن‌سینا بنویسید.
- ۱۴ نظریه فقر وجودی یا امکان فقری را کدام فیلسوف مسلمان مطرح نموده است؟ آن را شرح دهید.
- ۱۵ دو مورد از معیارهای یک زندگی معنادار از نظر فلاسفه مسلمان را بنویسید.
- ۱۶ استدلال ابن‌سینا در برهان وجوب و امکان چیست؟
- ۱۷ *علة‌العلل* چیست؟
- ۱۸ درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید.
- الف ابن‌سینا خدا را با دلایل عقلانی اثبات کرده است.
- ۱۹ تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط می‌باشد.
- الف به عقیده فیلسوفان مسلمان، اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان‌پذیر است.
- ۲۰ گزینه مناسب را انتخاب کنید:
- الف ملاصدرا، نظریه خود را که در مقابل نظر ابن‌سینا بود (۱: امکان ذاتی ۲: امکان فقری) نامید.





# پاسخنامه تشریحی

- ۱ الف) در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند.  
ب) وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول مشروط به وجود علت است. یعنی فقط اگر علت موجود باشد معلول نیز خواهد بود.  
ج) اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد به ناچار این معلول هم علتی دارد. حال اگر این علت دوم هم خود معلول باشد به علت سوم نیاز است. اگر این سلسله علت‌ها تا بی‌نهایت پیش رود «تسلسل علل نامتناهی» پیش خواهد آمد و این تسلسل محال است. پس باید علت اولیه‌ای وجود داشته باشد.
- ۲ فیلسوف کسی نیست که عقیده‌ای نداشته باشد؛ بلکه کسی است که براساس قواعد فلسفی عقیده‌ای را می‌پذیرد.
- ۳ ۱- وقتی به جهان و موجودات نگاه می‌کنیم، تساوی این موجودات نسبت به وجود و عدم در ذات خود را می‌بینیم. به عبارت دیگر ذاتاً ممکن‌الوجودند.  
۲- ممکن‌الوجود بالذات برای خروج از این تساوی عدم و وجود و موجود شدن، به واجب‌الوجود بالذات نیاز دارد؛ یعنی موجودی که وجود در ذات او باشد. نتیجه: پس موجودات این جهان به واجب‌الوجود بالذاتی وابسته‌اند که آنها را از حالت امکانی خارج نموده و پدید آورد.
- ۴ اگر سلسله علت‌ها بخواهد تا بی‌نهایت پیش برود، یعنی منتهی به علتی نمی‌شود که خود معلول نباشد. یعنی به‌طور زنجیروار هر علتی خود معلول علت دیگری است و این زنجیره تا بی‌نهایت ادامه پیدا می‌کند. اگر قرار باشد که سلسله علت‌ها تا بی‌نهایت عقب برود، اصلاً نوبت به معلولی که اینک پیش روی ماست، نخواهد رسید. زیرا نیازمند زنجیره بی‌نهایتی از علت‌هاست که این امر، متناقض و غیرممکن است. در نتیجه تسلسل امری محال است.
- ۵ زمانی بحث درباره خدا می‌تواند یک بحث فلسفی باشد که فیلسوف در ارائه استدلال و کسب نتایج تفکر، صرفاً از دلایل عقلی محض استفاده نماید.
- ۶ در کتاب شعر زرتشت‌نامه آمده است که بهمن از جانب خدا (نورالانوار) به زرتشت نازل می‌شد.
- ۷ موجودات ممکن متکی به واجب‌الوجودی بالذات و غیرمعلول هستند.
- ۸ نظر فیلسوفانی مانند سهروردی نشان می‌دهد که حکمای ایران باستان در زمان خود شناخت روشنی از مبدأ هستی داشته‌اند. آنان خدا را نور هستی می‌دانستند که با پرتو اشراق خود پدیده‌ها را ظاهر می‌سازد و خلق می‌کند.
- ۹ عشق
- ۱۰ به هر موجودی نگاه می‌کنیم، وجودش عین وابستگی و نیاز است. موجودات وابسته باید به وجودی متصل باشند که در ذات خود، غیرنیازمند و برخوردار باشد. پس موجودات این جهان وابسته به وجودی بی‌نیاز و غیروابسته هستند.
- ۱۱ از نظر ملاصدرا با توجه به اینکه هستی، یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. وجود که حقیقت واحدی است، در تجلیات و ظهورات خود دارای مراتبی می‌شود و هر مرتبه‌ای از وجود، به میزان درجه وجودی خود، ظهور آن واحد و یگانه است.
- ۱۲ هر موجودی، وجودش عین وابستگی و نیاز است؛ موجود وابسته و نیازمند باید به وجودی که در ذات خود بی‌نیاز است، متصل باشد. پس، موجودات این جهان به وجودی بی‌نیاز وابسته هستند.
- ۱۳ هر یک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و برحسب فطرت خود از بدی‌ها گریزان است. همین اشتیاق ذاتی و ذوق فطری را که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است، عشق می‌نامیم.
- ۱۴ ملاصدرا
- اگر به واقعیات نگاه کنیم، می‌بینیم که این واقعیات عین وابستگی و نیازند. وی این وابستگی را امکان فقری یا فقر وجودی نامید. این فقر و نیاز باید به منبعی متصل باشد که از غنای ذاتی برخوردار است و آن غنی‌الذات همان خداوند است.
- ۱۵ ۱. جهان را غایب‌نمند بیاید و آن را توضیح دهد.  
۲. انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند.
- ۱۶ ۱- وقتی به موجودات این جهان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم (بودن و نبودن) مساوی‌اند؛ هم می‌توانند باشند و هم می‌توانند نباشند. به عبارت دیگر، این موجودات ذاتاً ممکن‌الوجودند.  
۲- ممکن‌الوجود بالذات، برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم درآید و موجود شود، نیازمند واجب‌الوجود بالذات است؛ موجودی که وجود، ذاتی او باشد.  
۳- پس، موجودات این جهان به واجب‌الوجودی بالذات وابسته‌اند که آنها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است.
- ۱۷ در ابتدای سلسله علت‌ها و معلول‌ها علتی وجود دارد که وجودش وابسته به دیگری نیست. یعنی خودش واجب‌الوجود و علّة‌العلل موجودات دیگر است.
- ۱۸
- الف) نادرست؛ ابن‌سینا خدا را با دلایل فلسفی اثبات کرده است.
- ۱۹
- الف) درست
- ۲۰
- الف) امکان فقری